

بانوان شیعه

و فرهنگ سیاسی آنان در عصر فاطمی

شهلا باقری⁰

چکیده

فرهنگ هر دوره معرفت نحوه زیست اجتماعی و فرهنگی جوامع آن عصر است. به طریق اولی، با اطلاع از فرهنگ سیاسی هر دوره، می توان به شناخت روابط، جریانات و حرکت های سیاسی موجود دست یافت. عصر فاطمی (دوره حیات و ممات حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام)) طلیعه دار پیدایش اتفاقات و رویدادهای سیاسی — اجتماعی تعیین کننده در حیات سیاسی شیعیان بوده که پرداختن به آن از اهمیت اساسی برخوردار است. فرهنگ سیاسی با تعیین سه عنصر «بینش سیاسی»، «نگرش سیاسی» و «کنش و رفتار سیاسی» مشخص می گردد و سطوحی از تفکر و آگاهی سیاسی، احساس و منش سیاسی و عملکرد و حرکت سیاسی را در برمی گیرد. حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) در مثنی سیاسی خود، پایه گذار و مقوم فرهنگ سیاسی تشیع بوده اند و سه عنصر تشکیل دهنده این فرهنگ را، چه در عرصه نظر و چه در عرصه عمل، به منصفه ظهور رسانیده اند.

کلیدواژه ها: فرهنگ سیاسی، عصر فاطمی، بانوی شیعه، بینش سیاسی، منش سیاسی،

کنش سیاسی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

مقدمه

شناخت فرهنگ هر جامعه گامی مؤثر در شناخت هر عصر و دوره محسوب می شود و می توان آن را به عنوان منبع کسب معرفت علمی بشر از اعصار قلمداد نمود. نخبگان جامعه به عنوان عواملی مهم در تشخیص و تعیین بخشی به فرهنگ هر جامعه، با تعیین خط مشی های اجتماعی، به آگاهی بخشی مردم آن جامعه می پردازند.

عرصه سیاست یکی از عرصه های مهم زندگی بشر است که به نوبه خود، سایر عرصه های زندگی اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار داده. این عرصه و نیروهای فعال عمل کننده در این میدان، با دخالت در ورود و خروج قدرت های سیاسی، تعیین هیأت حاکمه و قوای حکومتی، نقش خاص خود را در ساختار سیاسی جامعه رقم می زنند.

جهان تشیع با در اختیار داشتن پشتوانه و عقبه مهم و ممتد سیاسی در صحنه تاریخ، قادر است سرنوشت خویش را در عصر حاضر تعیین کند. شیعیان و از جمله زنان شیعه، استمرار حکم الهی را پس از ختم نبوت، در وجود امامان معصوم(علیهم السلام) و قیام های انقلابی شیعیان برای اعتلای کلمه حق قلمداد می نمایند و سیره ائمه اثنا عشر(علیهم السلام) و تاریخ حرکات شیعه و نیز تاریخ اسلام و جهان را بر این اساس بنیاد نهاده اند.

فهم حرکت های سیاسی شیعه و از جمله بانوان شیعه، بدون فهم بنیان گذاران و پیش قراولان جهان تشیع امکان پذیر نیست و از این رو، فهم و درک رهبران جهان تشیع از اهمیت خاصی برخوردار می گردد.

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) به عنوان الگوی جهان تشیع و از جمله بانوان شیعه، در ایجاد فرهنگی مبتنی بر آموزه های دینی در همه عرصه ها، به ویژه عرصه سیاست، نقش بی بدیلی را نه تنها به جامعه شیعه، بلکه به جامعه بشری معرفی نموده اند؛ نقشی که از عصر فاطمی و دوران حیات آن حضرت آغاز می گردد و دوران مامت و بلکه نظام نامه حکومت جهانی بشر را به خود اختصاص داده است؛ چرا که سیره طیبه حجت الهی، حضرت مهدی موعود (عج)، اساساً بر سیره فاطمی مبتنی گشته که آن جناب می فرماید: «و فی ابنة رسول الله لی اُسوة حسنة...»^(۱) برای من در دخت پیامبر (فاطمه)، الگویی نیکوست.

1. کارپایه های مفهومی

الف. فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی «گرایش های مشخص سیاسی نسبت به نظام سیاسی و بخش های گوناگون آن و نگرش نسبت به نقش خود این نظام را دربر می گیرد.»^(۲)

طبق یک تعریف، «رفتار سیاسی هر فرد، گروه، طبقه و حتی دولت، بستگی به چگونگی فرهنگ سیاسی آن دارد. در واقع، فرهنگ سیاسی، رفتار سیاسی فرد را هدایت می کند و ساختار ارزشی جامعه را به وجود می آورد. فرهنگ سیاسی محصول تاریخ، نظام سیاسی و اعضای نظام است و ریشه در رویدادهای اجتماعی و تجارب فردی دارد. فرهنگ سیاسی رویکرد ذهنی یا نگرش افراد به موضوعات اجتماعی را تا حدود زیادی تعیین می کند.»^(۳)

بنابراین، آنچه فضای مفهومی فرهنگ سیاسی را شکل می دهد و محدوده آن را در حوزه فرهنگ مشخص می کند، واقعیت ها و مسائل سیاسی اند و به عبارت دیگر، پاسخ های اجتماعی معطوف به مسائل سیاسی، فرهنگ سیاسی یک قوم، یک گروه یا یک جامعه را شکل می دهند. فرهنگ سیاسی اعم از ایدئولوژی سیاسی است و ایدئولوژی سیاسی به منزله «مجموعه دیدگاه ها یا عقاید اجتماعی، اقتصادی، سیاسی مرتبط با شکل و نقش حکومت»^(۴) از عناصر فرهنگ سیاسی به حساب می آید.

به عبارت دیگر، آدمی به دلیل آنکه در حیات اجتماعی خود با مسائل سیاسی متفاوتی روبه رو می گردد، ناگزیر از پاسخ گویی به آن هاست؛ چرا که اساساً قوام جامعه در برون رفت از این موقیت های بحث انگیز نهفته است؛ بدین معنا که کنشگر اجتماعی در مواجهه با واقعیت های سیاسی، اولاً این واقعیات را با توجه به بینش های نظری خود منظم می کند؛ ثانیاً، با توجه به جهت گیری ارزشی دست به انتخاب می زند؛ و ثالثاً، به کنش روی می آورد. از این منظر، می توانیم «فرهنگ سیاسی» را در سه سطح «بینش»، «نگرش» و «کنش» مطرح نماییم.

هنگامی که فرهنگ سیاسی را در سطح «بینش سیاسی» طرح می‌کنیم، اعتقاد، آگاهی و شناخت وجهه غالب این مفهوم را دربرمی‌گیرد و هنگامی که از «منش سیاسی» سخن به میان می‌آید، نگرش، تعلق، تعهد سیاسی و اراده سیاسی را افاده می‌نماید و نیز هنگامی که از «کنش سیاسی» سخن به میان می‌آوریم، مشارکت و آزادی به ذهن متبادر می‌گردد.

برای نتیجه‌گیری بهتر از این مباحث، می‌توان مفهوم «فرهنگ سیاسی» را در قالب سه وجه یا سه جنبه مورد بررسی و ارزیابی و تبیین قرار داد: مشروعیت، مشارکت و خط‌مشی‌ها. (1. مشروعیت: این وجه ناظر بر نگرش شهروندان نسبت به نظام سیاسی است: آیا شهروندان

حکومت موجود را مشروع می‌دانند؟ در صورت مشروعیت، رشد این مشروعیت در کجاست؟

2. مشارکت: این بعد ناظر به سؤالاتی از این قبیل است: نگرش شهروندان نسبت به درگیر شدن در نظام سیاسی چگونه است؟ آیا بیشتر شهروندان خود را به منزله مشارکت‌کنندگان در نظام سیاسی می‌دانند یا اینکه خود را مستقل فرض می‌کنند؟ آیا نظام سیاسی را با زندگی روزمره خود نامرتبب احساس می‌کنند؟ وضعیت گروه‌های اجتماعی مختلف در این حوزه چگونه است؟ نسبت به نظام سیاسی، احساس اعتماد و دوستی وجود دارد، یا احساس خصومت و دشمنی؟

3. خط‌مشی‌ها: انتظارات سیاسی شهروندان مشخصه این بُعد است: شهروندان تعادل بین نظم و آزادی را چگونه می‌بینند؟ نظر مردم در مورد مالکیت خصوصی، رفتار اجتماعی و سایر مسائل چیست؟ آیا فرهنگ سیاسی تعارض‌آمیز است یا وفاق‌آمیز؟ آیا خرده‌فرهنگ‌های سیاسی با اهمیتی وجود دارند؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

ب. فرهنگ سیاسی بانوی شیعه

فرهنگ سیاسی بانوی شیعه بخش جدایی‌ناپذیر از فرهنگ سیاسی تشیع است و اساساً در این حوزه، قابل بررسی، تبیین و ارزیابی است. «فرهنگ سیاسی تشیع» نیز مجموعه‌ای از نظام‌های اعتقادی، فکری، انگیزشی، احساسی و رفتاری مسلمانان و معتقدان به ولایت علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) برای سامان‌دهی به زندگی سیاسی و اجتماعی خود است. واژه «بانوی شیعه» در اینجا یک نمونه مثالی است.

ج. عصر فاطمی

منظور از «عصر فاطمی» در اینجا، دورانی است که از ولادت تا شهادت حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را به عنوان طلیعه دار این عصر دربرمی‌گیرد. با وجود این، به دلیل آنکه فعالیت سیاسی حضرت با جریان دفاع از امامت حضرت علی (علیه السلام) تشخص می‌یابد، بیشتر ناظر به اواخر عمر شریف آن حضرت است. تقارن این دوره به خاطر مصادف شدن با رحلت نبی مکرم

(صلی الله علیه وآله) و آغاز انحراف در جریان جانشینی ایشان و غصب امامت، تعیین خاصی می یابد. پس از وفات حضرت زهرا (علیها السلام)، فاطمیان^۱ یا ادامه دهندگان راه آن حضرت، با الهام از ایشان، به دفاع از امامت حضرت علی (علیه السلام) پرداختند.

2. مناسبات سیاسی در عصر فاطمی

با آنکه در روزگار 23 ساله نبوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) اختلاف آشکاری در بین پیروان اسلام و حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) وجود نداشت، اما از نخستین لحظات درگذشت رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، اختلاف نظر عمیقی میان مسلمانان پیدا شد و با گذر زمان، بر عمق آن افزوده گشت.

انگیزه اصلی و نخستین این اختلاف، سیاسی بود که بعدها به مذاهب فقهی و کلامی مختلف تبدیل شد و با گذشت روزگاران، فرقه های بسیاری از درون آن مذاهب پدید آمدند. موضوع این اختلاف سیاسی بحث جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله) و زعامت جامعه اسلامی بود.

با ورود اسلام و حاکمیت نبوی حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) و نوع رهبری و زعامت ایشان، تقریباً تمام آموزش های سیاسی و چگونگی قدرت سیاسی عرب، که مبتنی بر رهبری فردی از قریش با استفاده از شیوه جافتاده «شورای رؤسای قبایل قریش» بود، فروپاشید و مضمحل گشت و نوع کاملاً تازه ای از اندیشه های سیاسی - اجتماعی و فلسفه رهبری را بنیاد نهاد. وقتی پیامبر (صلی الله علیه وآله) رحلت نمودند، برخی از اصحاب مشهور ایشان از مهاجران و انصار، با الهام از سنت سیاسی گذشته قبیله ای، در محلی به نام «سقیفه بنی ساعده» گرد آمدند تا هر چه زودتر با انتخاب رئیس و پیشوا، خلأ قدرت سیاسی پس از پیامبر (صلی الله علیه وآله) را پر کنند. این عده بدون فرمان بری از گفته پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اعلام رسمی ایشان (در قضیه «حجة الوداع» و در محل «غدیر خم») در انتخاب حضرت علی (علیه السلام) به جانشینی خود و امامت امت اسلامی، دست به این اقدام خودسرانه زدند.

در مقابل جدال مهاجران و انصار بر سر خلافت، گروهی دیگر از صحابه گرد علی بن ابی طالب (علیه السلام) جمع شدند و ایشان را نامزد خلافت نمودند و این مقام را منحصرأ سزاوار آن حضرت شمردند.^۲ با تهدیدهایی که از سوی حامیان خلافت صورت گرفتند، طرف داران امام (علیه السلام) پس از دیگری به بیعت با ابوبکر تن دادند و به هر حال، تلاش طرف داران امام علی (علیه السلام) در صحنه معادلات سیاسی وقت ناکام ماند.

هرچند با تسلیم شدن انصار و سپس یاران حضرت علی (علیه السلام)، از درگیری شدید و خونین جلوگیری به عمل آمد و پایه های خلافت نو بنیاد استوار گردید، اما اختلاف و مبارزه سیاسی از میان نرفت. گروهی که «شیعه علی (علیه السلام)» و حامیان اهل بیت رسول (علیهم السلام) نامیده شدند، در برابر اکثریت شکل گرفتند. این گروه نسبت به منشأ قدرت سیاسی حاکم و نیز برخی عملکردهای دستگاه خلافت و وابستگان سیاسی آن ها معترض بودند. اینان که افزون بر صحابی

نام آور و محبوبی همچون امام علی(علیه السلام) و دخت پیامبر حضرت فاطمه(علیها السلام)، شماری از اصحاب برجسته و پارسا در میانشان بودند، به استناد حادثه «غدیر»، اینکه امام علی(علیه السلام) در حیات پیامبر(صلی الله علیه وآله) و در سفر «حجة الوداع» به وسیله پیامبر به خلافت و جانشینی رسول اکرم(صلی الله علیه وآله) انتخاب شده است و مسلمانان نیز در همان جا به عنوان ولی و جانشین پیامبر با امام علی(علیه السلام) بیعت کرده بودند، قدرت سیاسی جدید را از بنیاد، فاقد «مشروعیت دینی و شرعی» می دانستند و اساساً حق انتخاب، مشورت و بیعت مجدد برای اصحاب در امر خلافت را ناموجه و انحراف آمیز تلقی می نمودند.

شیعیان استدلال دیگری نیز داشتند و آن این بود که صرف نظر از مسئله «غدیر» و انتخاب حضرت علی(علیه السلام) به ولایت امت، در بین اصحاب نیز ایشان شایسته ترین فرد برای تصدی مقام جانشینی پیامبر(صلی الله علیه وآله) است و از این رو، مقام خلافت، شایسته ایشان بود و ایشان می بایست به خلافت برگزیده می شد و نه فردی دیگر. امام علی(علیه السلام) خود بارها به شایستگی برین خود به خلافت اشاره کرده اند.^(۱)

به هر حال، تهدید، ارعاب، حمله به حریم شیعیان و غصب «فدک» حضرت زهرا(علیها السلام) از جمله آزارها و فشارهای سیاسی بودند که برای وادار نمودن شیعیان به بیعت با ابوبکر (منتخب خود سران به خلافت)، توسط غاصبان خلافت به انجام رسیدند. واقعه غصب «فدک»، که در منابع روایی اهل سنت و شیعه نقل شده، بنا به قول ابن ابی الحدید معتزلی، حاوی نکات و اسرار فراوانی است. وی می نویسد: از علی بن فاروقی مدرس بغدادی پرسیدم که اگر حضرت زهرا در ادعای فدک راست می گفت، چرا فدک را به او ندادند؟ وی با لبخندی پاسخ داد: «لو أعطاهما اليوم فدک بمجرّد دعواها لَحائتْ الیه غداً و ادعتْ لزوجها الخِلافة»^(۲) اگر آن روز فدک را به فاطمه می دادند، فردا خلافت شوهرش (علی) را ادعا می کرد.

3. بینش سیاسی بانوی شیعه

یکی از مهم ترین و بنیادی ترین ارکان فرهنگ سیاسی، عنصر «شناخت و آگاهی» و به عبارتی «بینش» سیاسی است که برای بانوی شیعه در عصر فاطمی تبلور داشت. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) به عنوان الگوی راستین بانوی شیعه، در فرازهایی از سخنان خود، به بیان فلسفه حکومت و رهبری حق پرداخته اند:

1. «فَجَعَلَ اللهُ... إِطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمَلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفُرْقَةِ»^(۳) خدا اطاعت و پیروی از ما (اهل بیت) را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت اسلامی، و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه ها قرار داده است.

2. «وَ الْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ»^(۴) و جهاد در راه خدا را مایه عزت و جاودانگی اسلام گردانده

است.

3. «وَقَدْ أَوْصَاكُمْ رَسُولُ اللَّهِ بِاتِّبَاعِنَا وَ مَوَدَّتِنَا وَ التَّمَسُّكِ بِنَا، فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)»⁽¹⁾ رسول خدا پی روی از ما و دوستی با ما را به شما سفارش کرده و فرموده است: (در امور زندگی) از اهل بیت (علیهم السلام) اطاعت نمایید که خداوند فرمود: به مردم بگو: از شما پاداش رسالت نمی خواهم، جز آنکه با اهل بیت من دوستی کنید.

4. «وَلَا وَرَدَهُمْ مَنَهَلًا نَمِيرًا صَافِيًا رَوِيًّا، تَطْفَحُ ضَفْنَاهُ وَ لَا يَتَرْتُقُ حَانِبَاهُ وَ لَا صُدْرَهُمْ بَطَانًا»⁽²⁾ تشنگان عدالت را از چشمه سرشار و زلال حقیقت سیراب می کرد؛ چشمه ای که آب زلال آن فواره زنان از هر سو جاری است و هرگز رنگ کدورت نپذیرد و همواره سیراب است و رنج تشنگی نبیند.

5. «أَبَا هَذِهِ الْأُمَّةِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ (عَلَيْهِمُ السَّلَام) يُقِيمَانِ أَوْدَهُمْ وَ يُنْقِذَانِهِم مِّنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنْ أَطَاعُوهُمَا وَ يُبِيحَانِهِمُ التَّعِيمَ الدَّائِمَ إِنْ وَافَقُوهُمَا»⁽³⁾ محمد و علی (علیهم السلام) دو پدر امت اسلام می باشند، کجی ها را راست و انحرافات را اصلاح می نمایند؛ اگر مردم از ایشان اطاعت کنند، این دو آن ها را از عذاب جاویدان نجات می دهند و اگر مردم با ایشان موافق و همراه باشند، این دو نعمت های پایدار خداوندی را از ایشان دارند.

6. «مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ تُتَوَى وَ لَا تُتَاتَى»⁽⁴⁾ [به نقل از پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله)] ... مَثَلُ إِمَامٍ هَمَانَدُ كَعْبَةٍ اسْت، مردم باید در اطراف آن طواف کنند، نه آنکه کعبه گرد مردم طواف نماید.

آن حضرت همچنین در فرازهایی به تبعات عدم استقرار حکومت حق اشاره می نمایند:

7. «تَمَّ طَيْبُوا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفَاءً وَاطْمَأَنُّوا لِلْفِتْنَةِ جَاشَاءً، وَ أَبْشُرُوا بِسَيْفِ صَارِمٍ وَ سَطْوَةِ مُعْتَدِ غَاشِمٍ وَ هَرَجٍ شَامِلٍ وَ اسْتِبْدَادِ مِنَ الظَّالِمِينَ»⁽⁵⁾ از این پس، قلب های خود را از بروز آشوب ها مطمئن سازید. بشارت باد شما را به شمشیرهای کشیده و حمله ها و تهاجم های پی در پی، و به هم ریخته شدن امور اجتماعی مسلمانان و استبداد ستمگران؛ آن ها که غنایم و حقوق شما را اندک پرداخت می کنند!

8. «وَيُحِبُّهُمْ آتَى زَعَزَعُوهَا عَنْ رَوَاسِي الرِّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ النُّبُوَّةِ وَ الدَّلَالَةِ»⁽⁶⁾ وای بر آنان! چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار یابد؟ و خلافت بر پایه های نبوت استوار ماند؟

ماحصل دیدگاه ها و بینش سیاسی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را می توان در قالب

جدول ذیل طراحی نمود:

جدول (1): فلسفه سیاسی حکومت حق و ابعاد آن از دیدگاه حضرت فاطمه (علیها السلام)

منشأ مشروعیت حکومت	نوع و شکل حکومت	منتها و غایت حکومت
دستور خداوند و فرهنگی	خلافت بر پایه نبوت یا	- سیراب شدن تشنگان
اعطا شده الهی به شخص	امامت ولی بر جامعه	عدالت از چشمه حقیقت؛
نبی و امام	اسلامی و ولایت امت	- برقراری نظم اجتماعی و وحدت اجتماعی؛
		- در امان ماندن از تفرقه ها؛
		- برقراری نعمت های پایدار الهی در بین مردم.

4. منش سیاسی بانوی شیعه

طرز تلقی‌هایی که همراه با جهت‌گیری‌های عاطفی و احساسی بوده و مصداق و تعین خاصی در وجود فرد یا افراد می‌یابند، «منش سیاسی» را تشکیل می‌دهند. در ادامه، به فراهایی از سخنان حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در این باب می‌پردازیم:

1. «إِنَّ السَّعِيدَ، كُلَّ السَّعِيدِ، حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ»؛^(۱) قطعاً سعادت‌مند کامل و حقیقی کسی است که (امام) علی (علیه السلام) را در دوران زندگی و پس از مرگش دوست داشته باشد.

2. وقتی از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در کنار قبر حضرت حمزه (علیه السلام) در «أحد» و در حال عزاداری و گریه، برای امامت حضرت علی (علیه السلام) دلیلی خواستند، آن حضرت فرمودند: «... وَ لَكِنْ قَدَّمُوا مِنْ آخِرِهِ اللَّهُ وَ آخَرُوا مِنْ قَدَمِهِ اللَّهُ، حَتَّى إِذَا الْخَدُوا الْمَبْعُوثَ وَ أَوْدَعُوهُ الْجَدَثَ الْمَحْدُوثَ احْتَارُوا بِشَهْوَتِهِمْ وَ عَمِلُوا بِآرَائِهِمْ تَبَّأَ لَهُمْ أَوْلَمَ يَسْمَعُوا اللَّهَ يَقُولُ: (وَ رَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ)»؛^(۲) اما (افسوس) کسی را مقدم داشتند که خدا او را کنار زده بود و کسی را کنار زدند که خدا او را مقدم داشته بود. رهاورد بعثت را انکار کردند و به بدعت‌ها روی آوردند. آن‌ها هواپرستی و شهوت را برگزیدند و بر اساس رأی و نظر شخصی عمل کردند. هلاکت و نابودی بر آنان باد! آیا نشنیدند کلام خدا را که فرمود: پروردگار تو خلق می‌کند آنچه را که می‌خواهد و اختیار تعیین امامت به دست اوست؟

3. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) گریان به هنگام شکوه از غصب امامت، به درگاه حق تعالی می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ نَشْكُو فَقَدْ نَبَّيْتُكَ وَ رَسُولَكَ وَ صَفِيكَ وَ ارْتَدَادَ أُمَّتِي عَلَيْنَا وَ مَنَعَهُمْ إِيَّانَا حَقًّا الَّذِي جَعَلْتَهُ لَنَا فِي كِتَابِكَ الْمَثَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ»؛^(۳) پروردگارا! به سوی تو شکایت می‌کنم اندوه از دست دادن پیامبر و فرستاده و برگزیده ات را، و به تو شکایت می‌کنم ارتداد امت پیامبر (صلی الله علیه وآله) را و اینکه حق ما را از ما بازداشتند؛ همان حق «ولایت و رهبری» را که در قرآن کریم، خود بر پیامبر نازل نمودی.

4. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) خطاب به عمر، وقتی به حریم خانه آن حضرت تعدی نمود و با بردن حضرت علی (علیه السلام) با زور به مسجد برای گرفتن بیعت سعی داشت، فرمودند: «أَمَا وَاللَّهِ يَا بْنَ الْخَطَّابِ! أَوْلَا أَنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُصِيبَ الْبِلَاءُ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ لَعَلِمْتُ أَنِّي سَأَقْسِمُ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ أَجِدُهُ سَرِيعَ الْإِحَابَةِ»؛^(۴) ای پسر خطاب! سوگند به خدا! اگر کراهت نداشتم که بی‌گناهان (مدینه) گرفتار بلاى الهی شوند، نفرین می‌کردم و آن‌گاه می‌فهمیدی که نفرین من خیلی زود تحقق می‌پذیرد.

5. حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) پشت در منزل خود، خطاب به عمر، که در پیشاپیش

مهاجمان به خانه امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) قرار داشت، فرمود: «وَ يَحْكُ يَا عُمَرُ! مَا هَذِهِ الْجُرْأَةُ عَلَيَّ اللَّهُ وَ عَلَيَّ رَسُولُهُ؟ تُرِيدُ أَنْ تَقْطَعَ نَسْلَهُ مِنَ الدُّنْيَا وَ تُفْنِيَهُ؟ وَ تُطْفِئَ نُورَ اللَّهِ؟ وَاللَّهِ مُنَّمُ نُورِهِ»^(۱) وای بر تو ای عمر! این چه جرئت و جسارتی است که نسبت به خدا و رسول خدا کرده ای؟ آیا می خواهی نسل رسول خدا را نابود کنی و از میان برداری؟ آیا می خواهی نور خدا را خاموش کنی؟ خداوند نور خود را حفظ می کند و تداوم می بخشد.

6. حضرت فاطمه(علیها السلام) خطاب به مهاجران و انصار عذرخواهی کننده فرمود: «إِلَيْكُمْ عَنِّي فَلَا عُدْرَ بَعْدَ تَعْدِيرِكُمْ وَلَا أَمْرَ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ. هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍ لِأَحَدٍ عُدْرًا»^(۲)؛ «دور شوید و مرا به حال خود واگذارید! پس از کوتاهی و سهل انگاری شما، جایی برای عذرخواهی نمانده است. آیا پدرم پیامبر (صلی الله علیه وآله) پس از حادثه غدیر خم جایی برای عذر تراشی و بی تفاوتی گذاشته است؟

جدول (2): منش سیاسی بانوی شیعه بر حسب نگرش های گوناگون نسبت به نظام سیاسی

علاقه سیاسی	نفرت سیاسی
۱. نسبت به امام علی(علیه السلام) در دوران زندگی و پس از مرگ وی	نسبت به: ۱. مدعیان دروغین خلافت و غاصبان ولایت و رهبری: ابوبکر، عمر و ...
۲. نسبت به پیامبر و فرستاده و برگزیده خداوند حضرت محمد(صلی الله علیه وآله)	۲. نسبت به هواپرستان و شهوت گزیدگان که رأی خود را بر رأی خدا مقدم داشته اند: مخالفان و بی تفاوتی ها در برابر حادثه غدیر.

5. کنش سیاسی بانوی شیعه

کنش سیاسی شهروندان در نظام سیاسی موجود، همراهی و یا درگیر شدن آنان با نظام حاکم وقت، دلالت های رفتاری و کرداری يك شهروند در نظام سیاسی را رقم می زند. در این قسمت، به بیان رفتارها و عملکرد بانوی شیعه می پردازیم.

الف. حضور فاطمه(علیها السلام) بر مزار شهدای جنگ اُحد و زیارت آن ها

آن حضرت هفته ای دو روز، دوشنبه و پنج شنبه به زیارت شهدای «اُحد» می رفتند و محل جنگ رسول خدا با مشرکان را دقیقاً نشان می دادند. این مطلب، که به سند صحیح از کافی نقل شده است، می رساند که حضرت فاطمه(علیها السلام) علاوه بر زیارت اهل قبور و شهدای جنگ، شخصاً در جنگ «اُحد» نیز حضور داشتند و محل را با چشمان مبارکشان دیده بودند.^(۱) زنانی که از مدینه به جنگ «اُحد» آمدند 14 نفر بودند که حضرت فاطمه(علیها السلام) یکی از آنان بود. آن ها نان و آب را با خود حمل می کردند و در کنار رزمندگان به آن ها، آب و نان می دادند و جراحاتشان را پانسمان می کردند.^(۲)

ب. هشدار حضرت زهرا(علیها السلام) نسبت به غصب حکومت

حضرت زهرا(علیها السلام) در کنار امیرالمؤمنین و فرزندان، حسن و حسین(علیهم السلام)، تا چهل روز پس از رحلت رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به در خانه های مهاجران و انصار می رفتند و آنان را در غصب خلافت، توسط حکومت وقت هشدار می دادند.^(۱)

ج. سخنرانی سیاسی علیه هیأت حاکمه وقت

فاطمه زهرا(علیها السلام) در مسجد رسول خدا(صلی الله علیه وآله) در میان مهاجران و انصار با ابوبکر و غاصبان امامت و رهبری، به مبارزه برخاستند و طی سخنانی قاطع و کوبنده، ابوبکر را، که غاصب «فدک» نیز بود، محکوم کردند و مردم حاضر در مسجد را با سخنان خود به گریه واداشتند و جوئی فراهم نمودند که همه بدانند دختر پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله) مظلوم واقع شده و حقوق مسلم وی و خاندانش غصب گردیده اند.^(۲) سخنرانی در میان جمعی از مردم کوچه و بازار و نیز سخنرانی برای زنان مهاجر و انصار نیز نمونه های دیگری از این نوع هستند.^(۳)

د. جلوگیری از بردن حضرت علی(علیه السلام) به مسجد توسط غاصبان برای اخذ بیعت

فاطمه زهرا(علیها السلام) زمانی که حضرت علی(علیه السلام) را با زور برای بیعت گرفتن به طرف مسجد می بردند، در میان جمعیت آمدند و بین امام(علیه السلام) و مهاجمان و زورگویان قرار گرفتند و فرمودند: «وَاللَّهِ لَا أَدْعُكُمْ تَحْرُوقَ ابْنِ عَمِّي ظُلْمًا، وَيَلِكُمْ! مَا أَسْرَعَ مَا خُنْتُمْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فِينَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَقَدْ أَوْصَاكُمْ رَسُولَ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله) بِاتِّبَاعِنَا وَوَدَّعْتَنَا وَالتَّمَسُّكِ بِنَا فَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى)»^(۴) سوگند به خدا! نمی گذارم پسرعموی مرا ظالمانه به سوی مسجد بکشانید. ای بر شما! چه زود به خدا و رسولش خیانت کرده و به خانواده او ستم نموده اید، با اینکه رسول خدا پی روی از ما و دوستی با ما را به شما سفارش کرده و فرموده است: (در امور زندگی) از اهل بیت(علیهم السلام) اطاعت نمایید، که خداوند فرمود: به مردم بگو: از شما پاداش رسالت نمی خواهم، جز آنکه با اهل بیت من دوستی نمایید.

هـ. دفاع از امام علی(علیه السلام) در مسجد

حضرت زهرا(علیها السلام) هنگامی که امام را مظلومانه و با ستم به مسجد بردند، وارد مسجد شد و در اعتراض به این اقدام و در دفاع از جان امام علی(علیه السلام) در برابر تهدید ابوبکر به زدن کردن حضرت علی(علیه السلام) در صورت عدم بیعت، خطاب به ابوبکر فرمود: «يَا اَبَا بَكْرُ اَتْرِيدُ اَنْ تُرْمَلَنِي مِنْ زَوْجِي؟ وَاللَّهِ لَئِنْ لَمْ تَكْفَ عَنْهُ لَأَنْشِرَنَّ شَعْرِي وَلا شَقَنْ حَيِّي وَلا تَبِيْنَ قَبْرَ اَبِي»^(۵) ای ابوبکر! آیا می خواهی شوهرم را از دستم بگیری (و مرا بیوه سازی؟) سوگند به خدا! اگر دست از او برنداری، موی سرم را

پریشان می کنم و گریبان چاک زده، کنار قبر پدرم رسول خدا می روم.

و. دفاع نارهایی و سلامت امام علی(علیه السلام)

آن گاه که سلمان فارسی از یگانه دخت پیامبر خواست تا دست از نفرین خود بردارد و به خانه بازگردد، فرمود: «وَلَيْلَهُمْ يَا سَلْمَانَ! يُرِيدُونَ أَنْ يُؤْتَمُوا وَكَدَى الْحُسَيْنِ. فَوَاللَّهِ يَا سَلْمَانَ! لَا أُحَلِّي عَنْ بَابِ الْمَسْجِدِ حَتَّى أَرَى ابْنَ عَمِّي سَالماً بَعِيناً»^(۱) وای بر آنان ای سلمان! آن ها می خواهند دو فرزند من حسن و حسین(علیها السلام) را یتیم و بی سرپرست کنند. ای سلمان! سوگند به خدا، از در مسجد مدینه پا بیرون نمی گذارم تا آنکه پسرعموی خود را با چشمان خودم (رهاشده) و سالم مشاهده نمایم.

ز. وصیت سیاسی

حضرت فاطمه زهرا(علیها السلام) به امیرالمؤمنین(علیه السلام) وصیت کردند که هنگام وفاتشان، شبانه او را غسل دهند و دفن کنند و کلیه امور از چشم غاصبان پنهان بمانند و حتی ابوبکر و عمر بر جنازه شان نماز نخوانند: «إِذَا تُوفِّيَتْ لَا يُعَلَّمُ أَحَدًا إِلَّا أُمُّ سَلَمَةَ وَ أُمُّ إِيْمَنَ وَ فَضَّةٌ وَ مِنَ الرِّجَالِ ابْنَةُ الْعَبَّاسِ وَ سَلْمَانَ وَ عَمَّارًا وَ الْمُقَدَّادَ وَ أَبَا ذَرٍّ وَ حُذَيْفَةَ وَ لَا تُدْفَنِي إِلَّا لَيْلًا وَ لَا تُعَلَّمْ قَبْرِي أَحَدًا»^(۱) وقتی وفات کردم به هیچ کس اطلاع نده، مگر (از زنان)، ام سلمه و ام ایمن و فضّه، و از مردان، دو فرزندم حسن و حسین(علیها السلام) و عباس و سلمان و عمار و مقداد و ابوذر و حذیفه. و مرا دفن نکن، مگر در شب و قبر مرا به هیچ کس اطلاع نده (تا مخفی بماند).

ح. شهادت فرزند

با هجوم منافقان و غاصبان به منزل امام علی(علیه السلام) و دفاع بی نظیر و افشاگرانه حضرت زهرا(علیها السلام)، که با جواب های داندان شکن خود، ادعاهای آنان را باطل و با بیان زلال حقیقت، رسوایشان نمود و يك تنه از حریم ولایت دفاع کرد، در منزل را به آتش کشیدند و حضرت فاطمه(علیها السلام) را بین در و دیوار کوبیدند و جراحی شدید بر ایشان وارد ساختند و فرزندی را که باردار بودند، ساقط کردند. کودک به دنیا نیامده حضرت (محسن(علیه السلام)) اول شهید خط مقدم دفاع از ولایت گردید و خود آن حضرت نیز از عوارض ناشی از جراحی وارد شده، چندی بعد به شهادت رسیدند. در آن هنگامه، حضرت خطاب به فضّه فریاد زدند: «يَا فَضَّةُ! إِلَيْكَ فَخُذِي، فَوَاللَّهِ لَقَدْ قُتِلَ مَا فِي أَحْشَائِي مِنْ حَمَلٍ»^(۱) آه فضّه! مرا دریاب، سوگند به خدا! فرزندی که در شکم داشتم به شهادت رسید. ماحصل کنش های سیاسی حضرت زهرا(علیها السلام) در جدول شماره سه آمده است.

جدول (3): کنش های سیاسی حضرت فاطمه(علیها السلام) در مبارزه با ستمگران

حضور در میدان جنگ	زیارت شهدا	هشدار سیاسی	سخنرانی سیاسی	دفاع سیاسی	مرگ سیاسی	وصیت سیاسی
غذارسانی - هفته‌ای	مراجعه	در مسجد	جولوگیری	مقاومت	کفن و	
به	دو روز	به خانه	پیامبر،	از بردن	در برابر	دفن
رزمندگان؛	زیارت	مهاجران	پس از	امام	دشمن	ایشان
-پرستاری	شهادت	و انصار و	غصب	علی (علیه السلام)	برای	شبانه و
از	احد	آگاهی	فدک؛	برای	ورود به	به دور از
رزمندگان		بخشی	- در میان	بیعت‌گیری	منزل و	چشم
مجروح.		نسبت به	مردم	از وی و	دفاع از	دشمن
		غصب	کوچه و	آزادی	حریم	انجام
		حکومت	بازار؛	ایشان.	ولایت و	شوند؛
			- در میان	مجروح	ابوبکر	- ابوبکر
			زنان	و شهید	و عمر و	
			مهاجر و	گشتن در	غاصبان	
			انصار.	این راه.	بر جنازه	
					ایشان	
					نماز	
					نخوانند.	

6. بانوی شیعه؛ الگوی بانوان شیعه

زنان بسیاری به تبعیت از خط مشی سیاسی حضرت زهرا (علیها السلام)، در عرصه های گوناگون فعالیت سیاسی علیه کفار و غاصبان حکومت، ایفای نقش نمودند. پرواضح است که کنش سیاسی آنان، دلالت های وثیقی بر بینش و منش سیاسی آنان نیز دارد. در ذیل، به ذکر چند نمونه می پردازیم:

1. امّ ایمن: از زنان پرهیزگار و خدمت کار حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) بود. پیامبر ایشان را مادر خطاب می کرد و می فرمود: «هذه بقية اهل بيتي»⁽¹⁾ این زن باقی مانده خاندان من است. وی همواره در کنار زنان مجاهد در جبهه جنگ، به مداوای مجروحان می پرداخت. امّ ایمن از شیفتگان خاندان امامت بود که در ماجرای غصب «فدک» توسط خلیفه غاصب وقت، حضرت زهرا (علیها السلام) او را به عنوان «شاهد» بر حقانیت خود معرفی کردند.⁽²⁾

2. نسیمه، دختر کعب مازنیه: او معروف به «امّ عماره» و از زنان فداکار صدر اسلام بود که در برخی از جنگ های پیامبر (صلی الله علیه وآله) شرکت می جست و مجروحان جنگی را مداوا می کرد. او در جنگ «احد»، بهترین نقش را ایفا کرد: با دیدن صحنه فرار مسلمانان و تنها گذاشتن پیامبر، به دفاع از جمال شریف پیامبر (صلی الله علیه وآله) پرداخت و در این راه، بدنش زخم های فراوانی برداشت. پیامبر این فداکاری را ستودند و به فرزندش عماره فرمودند: امروز مقام مادر تو از

مردان جنگی والاتر است.^(۱)

3. اسماء بنت عمیس: او تنها زنی بود که پس از وفات رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، همدم و مونس حضرت زهرا (علیها السلام) بود. همچنین زمانی که دشمنان حضرت علی (علیه السلام) قرار گذاشتند تا ایشان را در نماز غافلگیر کرده، به قتل برسانند، بی درنگ این توطئه را به وسیله کنیز خود، به حضرت علی (علیه السلام) گزارش کرد.^(۱)

4. ام سلمه: همسر محترم پیامبر (صلی الله علیه وآله) بود که بارها از امام علی (علیه السلام) دفاع نمود و تلاش کرد از رفتن عایشه، طلحه و زبیر برای آشوب جلوگیری نماید.^(۱)

5. مادر عبدالله بن عباس: یکی از زنان باتقوا بود که با فرستادن مردی از قبیله «جهینه» به نزد حضرت علی (علیه السلام)، خبر خروج طلحه و زبیر را به سوی بصره گزارش کرد.^(۱)

6. حبابه و البیبه: اولین ملاقات وی با حضرت علی (علیه السلام) بود که از آن حضرت دلیلی بر امامت درخواست کرد. حضرت در حضور وی، سنگی را برداشتند و بر آن مهر خود را نقش کردند و اثر آن مهر در سنگ جای گرفت و به او فرمود: پس از من هر که توانست در این سنگ چنین اثری بر جای بگذارد، او امام است. از این رو، حبابه پس از شهادت هر امامی نزد امام دیگر می رفت و آنان مهر خود را بر همان سنگ می زدند و اثر آن نقش می بست. او دوره زندگی هشت امام معصوم را درک کرد. در يك یا دو نوبت، به وسیله امام زین العابدین و امام رضا (علیه السلام) جوانی اش به او بازگردانده شد.^(۱)

7. کلام آخر

بزرگ بانوی شیعه، حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، به عنوان الگوی بانوان شیعه و جهان تشیع، پیش قراول و پرچمدار عصر فاطمی در مبارزه با ستم و ستمگری است. ایشان با تبیین فلسفه حکومت اسلامی، برقراری نظم اجتماعی و انسجام و وحدت بخشی به جامعه را متذکر شده، برقراری عدالت و در امان ماندن از اختلاف ها و تفرقه ها و برقراری نعمت های الهی در میان مردم را از ثمرات برقراری حکومت حق معرفی نموده اند. با انحراف در جانشینی پیامبر (صلی الله علیه وآله) و غصب حکومت توسط ابوبکر و عمر، مبارزه سیاسی ایشان آغاز می گردد و با تأکید بر آگاهی بخشی سیاسی به مردم، به اتمام حجّت با غاصبان منتهی می شود. منش سیاسی ایشان نگرش غضب آلود به نظام سیاسی وقت و هیأت حاکم را در پی دارد و به لحاظ عملکرد و کنش سیاسی، طیف وسیعی از فعالیت ها را شامل می شود. گفتوگو با مردم کوچه و بازار، سخنرانی در مسجد، مراجعه به خانه های مهاجران و انصار، دفاع عقیدتی و فیزیکی از مقام ولایت، مقاومت در برابر دشمنان و دفاع از حریم ولایت تا مرز شهادت خود و فرزندش و در نهایت، وصیت سیاسی مبنی بر دفن شبانه و اختفای تشیع و عدم حضور غاصبان بر جنازه ایشان، مبارزه با

دشمنان ولایت و ستمگران را برای پس از حیات خود و برای شیعیان و طرفداران خویش وصیت می نمایند و خطی از گذشته تا آینده ترسیم می کنند و فرهنگ سیاسی ولایت پذیری و مقابله با غاصبان ولایت را بنیاد می نهند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی